

دراسة الأغلط الصرفية للناطقين بالعربية في تعلم اللغة الفارسية

أ.م.د. انور عباس مجيد

جامعة بغداد-كلية اللغات- قسم اللغة الفارسية

wadi_alsalam76@colang.uobaghdad.edu.iq

wadi_alsalam76@yahoo.com

تاريخ الاستلام: ٢٠١٩/٤/٨

تاريخ القبول: ٢٠١٩/٥/١١



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

الملخص :

اللغة هي واحدة من أهم الظواهر الانسانية وهي تخضع لعملية التغيير والتحول بمرور الوقت وتحت ظروف مختلفة، وعلى الرغم من وجود اختلافات جوهرية بين اللغات، إلا أن هناك أيضاً توجد بعض أوجه التشابه والمشاركات بين اللغات. ومن بين الموضوعات التي يجب أخذها في الاعتبار عند تدريس أي لغة هي التركيبات القواعدية وأسس الصرف والنحو وصياغتها لتلك اللغة، وهذا البناء له قواعده الخاصة في كل لغة. إن فرض موضوعات مختلفة من لغة على لغة أخرى يعد سبباً في تشتيتها وصياغتها.

تسعى هذه الدراسة إلى التحقق من الأغلط الصرفية للناطقين باللغة العربية المتعلمين للغة، وتحقيقاً لهذه الغاية تم استخراج وتحليل أهم المشاكل في هذا المجال.

الكلمات المفتاحية: اللغة، تعليم اللغة الفارسية، الناطقين باللغة العربية، قواعد اللغة، الصرف والنحو

A Study of the Morphological Errors for Arabic Speakers in Learning Persian Language

Assistant Professor Dr. Anwar Abbas Majid

wadi_alsalam76@colang.uobaghdad.edu.iq

wadi_alsalam76@yahoo.com

Received:10/4/2019

Accepted:11/5/2019

Abstract

Language is one of the most important phenomena and undergoes transformation over time and under various conditions. Although there are fundamental differences between languages, there are some similarities and common characteristics among languages. There are certain issues should be taken into consideration when teaching any language like: the grammatical constructions, morphological basics, syntax, and how to construct that language. These constructions have their own rules in each

language. The imposition of different topics and sections of a language on another language is misleading.

This study investigates the morphological errors of Arabic speakers in learning Persian. To achieve this aim the most important problems in this field have been extracted and analyzed.

Key words: Language, Persian language instruction, Arabic speakers, grammar, Morphology and Syntax

دراسة الأغلط الصرفية للناطقين بالعربية في تعلم اللغة الفارسية
بررسی اشتباهات صرفی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی

دانشیار دکتر انور عباس مجید

دانشگاه بغداد - دانشکده زبان - گروه زبان و ادبیات فارسی

wadi_alsalam76@colang.uobaghdad.edu.iq

wadi_alsalam76@yahoo.com

چکیده:

زبان از مهم‌ترین پدیده‌هاست و در گذر زمان و تحت شرایط گوناگون دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. هر چند بین زبان‌ها تفاوت‌های اساسی و بنیادینی وجود دارد اما برخی مشابهت‌ها و مشترکات نیز میان زبان‌ها موجود است. یکی از مواردی که در امر آموزش هر زبانی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، ساخت‌های دستوری مبانی صرف و نحو آن زبان است. این ساخت‌ها در هر زبانی قواعد مخصوص به خود را دارند. تحمیل نمودن مباحث و بخش‌های مختلف یک زبان بر زبان دیگر سبب گمراهی می‌گردد.

در این پژوهش در پی آن بودیم تا به بررسی اشتباهات صرفی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی بپردازیم. بدین منظور مهم‌ترین مشکلات را در این حوزه استخراج نموده و بررسی کردیم.

کلیدواژگان:

زبان، آموزش زبان فارسی، عرب‌زبانان، دستور زبان، صرف و نحو

بیان مسئله:

زبان فارسی و آموزش این زبان به ملل غیرفارسی زبان از گذشته تا کنون وجود داشته است. در دهه‌های اخیر با پیشرفت علم زبان‌شناسی و نگرش‌های گوناگون این علم، مقوله آموزش زبان فارسی ابعاد گوناگونی یافته است. اقوام عربی و عرب‌زبانان با رویکردهای گوناگونی مبادرت با یادگیری زبان فارسی نموده‌اند. ایشان در سیر آموزشی خویش و به صورت طبیعی اشتباهاتی را در کاربردهای زبانی خویش دارند.

اهمیت و ضرورت مسئله:

بررسی و تحلیل سیر آموزشی عرب‌زبانان در آموختن زبان فارسی می‌تواند راهگشای امر آموزش و تسهیل آن گردد. یکی از حوزه‌هایی که عرب‌زبانان در مسیر زبان‌آموزی خود دچار خطا و اشتباه می‌گردند، صرف و نحو است. ضرورت دارد با پرداختن به این حوزه و بررسی و تحلیل آن به شناخت بیشتر زبان‌آموزان و تسهیل امر آموزش ایشان پرداخت.

اهداف پژوهش:

هدف اصلی این پژوهش بررسی اشتباهات صرفی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی است.

نوع پژوهش:

این پژوهش در حوزه‌ی پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی می‌گنجد. نگارنده می‌کوشد پس از مطالعه و گردآوری مطالب و نیز تحقیقات پژوهندگان و نویسندگان، زبان‌شناسان و زبان‌آموزان، آنها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

پیشینه‌ی پژوهش:

تا کنون مقالات و پژوهش‌های متعددی درباره‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان خاصه عرب‌زبانان و اشتباهات ایشان در یادگیری زبان فارسی، نوشته شده است. اما پژوهشی که با نگاهی اختصاصی به ایرادات صرف و نحوی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی بپردازد، نگاشته نشده است.

روش پژوهش:

این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای فراهم شده است و در این میان کتاب‌های ادبی، زبان‌شناسی و مقالات و پژوهش‌های متعددی مطالعه شد.

١- زبان

امروزه قابلیت یادگیری زبان‌هایی غیر از زبان اصلی برای زبان‌آموزان متعددی مهیا شده است. یادگیری زبان‌های بیگانه مستلزم فرایندی زمان‌بر و پیچیده است. در این فرایند زبان‌آموز می‌بایست با فرهنگ و صبغه‌ی آن سرزمین آشنا شود و احساس و تفکری نو پیدا کند. بدین منظور برای آنکه یادگیری زبان تازه با توفیق همراه گردد پاسخ‌های احساسی، ذهنی و فیزیکی و درگیر شدن مداوم، همراه زبان‌آموز گردد (وکیلی‌فرد، ۱۳۹۴ هـ.ش: ۱۶۸). (Vakili Fard, 1394 A.H.S, p 168).

از آنچه که قواعد هر زبان در بافت آن زبان و در مجموعه ویژگی‌های آن قبالی بررسی است، توجه به ویژگی‌های هر زبان و یافتن تفاوت‌های آن در مقام قیاس، گاه کژتابی‌ها و کژفهمی‌هایی را به دنبال دارد.

یکی از دلایلی که آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان را دشوار می‌کند، تطبیق مو به موی دستور و قاعده زبان‌های مبدأ و مقصد است.

زبان فارسی در سه شاخه قابل بررسی است. هر یک از این شاخه‌ها، قاعده و ویژگی‌های مخصوص به خود را دارا می‌باشند. این شاخه‌ها عبارتند از: زبان محاوره که در گفتگوهای روزمره فارسی زبانان به کار می‌رود. زبان نظم که در شعر فارسی کاربرد دارد. زبان نثر که کتاب‌های قدیم به آن شیوه نوشته شده است.

قواعد دستوری هر یک از این شاخه‌ها با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت هم در قلمروی واژگانی است و هم در بخش معنایی و نحوی. به عنوان نمونه واژگانی که در زبان محاوره به کار می‌روند در نظم و نثر کاربردی ندارند. این موضوع از مهم‌ترین محاسن زبان محاوره نسبت به نظم و نثر است.

همچنین در مقوله نظم و نثر نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. به عنوان نمونه می‌توان به تقدم فعل و فاعل در نثر و نظم اشاره کرد. در نثر شایسته آن است که فاعل بر فعل مقدم گردد اما در نظم گاه به ضرورت وزن ترکیب کلام، فعل بر فاعل مقدم می‌شود.

همچنین در ترکیب و ترتیب جملات نیز این سه شاخه دستخوش تغییرات و تفاوت‌هایی می‌گردند که می‌بایست در آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان به این نکات توجه کرد.

با نگاهی کلی در می‌یابیم که مشتقات فارسی از دو صیغه امر و ماضی ساخته می‌شوند. بسیاری بر این باورند که در ابتدا به فارسی‌آموزان از هر فعل دو صیغه امر و ماضی را بیاموزیم و در ادامه اضافاتی که به این دو صیغه افزوده می‌شوند.

در روش مذکور، فارسی‌آموزان با آموختن ساخت امر و ماضی در یک شاکله منظم با اشتقاق اسم و فعل آشنا می‌شوند و دیگر نیازی به حفظ افعال و یادگی قواعد آنان نیست.

٥ - ارتباط بین زبان فارسی و زبان عربی

رابطه زبان فارسی و عربی، از گذشته وجود داشته و مسائلی که بر محور این رابطه می‌گردد نیز قدمت بسیار دارد. از دیرباز تا کنون زبان فارسی و زبان عربی با یکدیگر پیوستگی و همبستگی داشته‌اند. برخی این ارتباط را به دوران پیش از اسلام نسبت می‌دهند. گواه این ادعا نشانه‌ها و سنگ‌نگاره‌هایی از دوره هخامنشیان است که صورت‌هایی از اقوام عربی بر آن نقش بسته است. این تصاویر نشان‌دهنده آن است که اقوام عربی در آن روزگار حکومتی مستقل داشته و همچنین راه ارتباطی خاصه از طریق زبان میان آنان و ایرانیان برقرار بوده است.

پیش از اسلام و ورود آن، ایران سرزمینی تأثیرگذار بود و ملل و زبان‌های دیگر از جمله زبان عربی در زمینه‌های فرهنگ و زبان از آن تأثیر می‌پذیرفتند. از این‌رو واژگان متعددی از زبان فارسی به زبان عربی راه یافت. تا قرون دوم و سوم هجری نیز این دریافت واژگانی از زبان فارسی به عربی متداول بود.

با شروع دوره اسلامی به مرور اوضاع متحول گشت و زبان عربی بر زبان فارسی تأثیر گذاشت. اما مردم عامی هیچ‌گاه به آموختن زبان عربی نپرداخته و به زبان فارسی وفادار ماندند. در مقابل فاضلان و اندیشمندان آن روزگار برای دستیابی به منزلت و مقام به فراگیری زبان عربی و در ادامه آموزش آن زبان پرداختند (ر.ک موسوی، ۱۳۸۶ ه.ش: ۱۶۵) (Ref: Musavi, 1386 A.H.S, p165).

بخش اعظم نفوذ و ورود زبان فارسی به زبان عربی در ابتدای ورود اسلام به ایران بوده است. آن زمان که زبان عربی همراه با اسلام از شبه جزیره عربستان خارج شد در ایران با مفاهیم و مصادیقی آشنا شد که به سبب ناشناختگی واژه و اصطلاحی برای آن‌ها نداشت. واژگان متعددی بر سر راه عرب بادی‌نشین قرار گرفت که وی با آنها آموخته و آمیخته نبود، واژگانی از نوع دیوانی و اداری، صنعتی، باغبانی و ... اعراب با نام فارسی این واژگان آشنا شدند و همان‌ها را به کار بردند.

زبان فارسی در این دوره قدرت و نفوذ زیادی داشت و با زبان عربی همراه شد. عرب‌ها آن دسته از واژگانی و عباراتی را که نتوانستند برایش معادلی بیابند، عیناً با همان سبک و سیاق فارسی به کار بردند و معرب خواندند. اگرچه عرب‌ها واژگان معرب دیگر برگرفته از زبان‌های دیگر دارند اما به لحاظ کثرت این واژگان به اندازه واژگان فارسی نرسیدند.

دوره دوم از زمانی آغاز شد که زبان فارسی بعد از دو سه سده دوری از گستره ادب و فرهنگ و حصر شدن در دایره گفت‌وگوهای محاوره‌ای به عرصه فرهنگ و ادب بازگشت. در این دوره شاعران و ادیبان ایرانی به نگارش کتاب‌های فارسی منظوم و منثور به زبان فارسی همت گماردند. زبان عربی در این دوره به زبان دانش، سیاست و ادب بدل شده و جامعه زبانی آن وسعت یافته بود. در مقابل زبان فارسی به سبب فقرت و دوری از جامعه علم و ادب در دایره محدود و محصور ماند. در این عصر ادیبان و نویسندگان عربی‌دان ایرانی به یاری زبان فارسی شتافتند و واژگان و ترکیبات عربی را وام گرفته و به زبان فارسی تزریق نمودند.

در میان تمام زبان‌هایی که بر زبان فارسی تأثیر گذارده‌اند، بیشترین و مهم‌ترین اثر از آن زبان عربی است.

۶ - نفوذ واژگان فارسی در زبان عربی

به طور کلی در زبان عربی به کارگیری واژگان بیگانه بنا به ضرورت و اقتضای زمانی و مکانی انجام می‌گیرد. این وام‌گیری‌های زبانی و واژگانی به سبب آن بوده است که گاه برای مصادیق و مفاهیمی واژگان عربی نارسا بوده‌اند. با دقت در واژگان معرب درمی‌یابیم که آن واژگان به نوع خاصی از مفاهیم اشاره می‌کند

آموختن زبان فارسی را به خصوص برای فارسی آموزان دشوار نموده است (ریک محمدی، ١٣٥٣ هـ.ش: ٧ - ١٧) (Ref: Mohammadi, 1353 A.H.S, p7-17).

٨ - مهم‌ترین ایرادات و اشکالات صرفی و نحوی عرب‌زبانان در زبان فارسی

علیرغم تشابهاتی که میان زبان فارسی و عربی وجود دارد، این دو زبان اختلافات بنیادینی را نیز دارا می‌باشند. به عنوان مثال تکواژهای تصریفی از اساسی‌ترین مشکلات در این حوزه است. پیشوندهای نفی، اضافات اسمی، صفت و ضمائر متصل به اسم و حرف اضافه و ضمائر منفصل از دیگر مشکلاتی صرفی است که عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی با آن روبرو می‌شوند.

در حوزه ایرادات نحوی با قواعدی روبرو هستیم که ممکن است در زبان فارسی وجود داشته باشند و در زبان عربی وجود نداشته باشند و بالعکس. این تفاوت‌ها، زمینه‌ساز دشواری‌هایی در یادگیری و به کارگیری نحو زبان فارسی برای عرب‌زبانان است. به عنوان مثال تقدم فعل، فاعل، صفت، ضمیر و اسامی از حیث حالت و جنس و شمار و ... از مهم‌ترین دشواری‌های حوزه نحوی است.

در بررسی زبان‌شناختی، اشتباهات و ایرادات زبانی زبان‌آموزان به چهار دسته تقسیم می‌شود: املائی و نوشتاری، آوایی و واجی، معنایی و واژگانی، صرفی و نحوی. ما در این پژوهش با گروه چهارم روبرو هستیم و البته گریزی به دیگر ایرادات هم خواهیم داشت. این اشتباهات برگرفته از مراتب حذف، جایگزینی، اضافه و چینش موارد صرف و نحوی هستند. از مهم‌ترین این موارد می‌توان به این موارد اشاره نمود: تکواژهای جمع و اجزای کلام، زمان، پینش واژگان و جملات، حروف اضافه، حروف تعریف، معلوم و مجهول، جملات شرطی، جملات موصولی و ... (ر.ک متولیان نائینی و استوار ابرقویی، ١٣٩٢ هـ.ش: ٦٤) (Ref: Motavalian Naini,) (Rezvan and Estovar Abraquavi, Abbas, 1392 A.H.S, p64).

٨ - ١ - واژگان مرکب

بسیاری از واژگان دشوار فارسی، واژگان مرکب هستند. واژگان مرکب را از دو بعد نحوی و معنایی می‌توان بررسی کرد.

هسته نحوی کلمه‌ای است که تمام یک واژه مرکب را با خود همراه می‌سازد. هسته نحوی در بسیاری از موارد قابل تشخیص هستند. اما همیشه این‌گونه نیست. گاه اسامی مرکب قابل تشخیص و تمیز نیستند و نمی‌توان کدام یک هسته هستند. این بخش در مقوله اسامی مرکب با ساختار اسم + اسم قابل رؤیت است.

در مقوله بخش صرف، با واژگانی روبرو هستیم، که از الگوی واحدی برای معنا پیروی نمی‌کنند. به عنوان نمونه، به این واژگان توجه کنید:

گروه الف: زیباسیرت/ بدهیکل/ قوی‌اندام

گروه ب: بزرگراه/ پیرزن/ شوراب

واژگان مذکور، از ساختار صفت + اسم پیروی کرده‌اند اما در از نظرگاه معنایی، بار معنایی متفاوتی دارند. معنای این واژگان به شرح ذیل است:

گروه الف:

زباسیرت: دارای سیرت زیبا

بدهیکل: دارای هیکل بد

قوی اندام: داری اندام قوی

گروه ب:

بزرگراه: راه بزرگ

پیرزن: زن پیر

شوراب: آب شور

بررسی واژگان مرکب و پیروی آنها از ساختار و الگویی یکسان و معنای متفاوت بیانگر دشواری این مقوله برای فارسی‌آموزان است.

عرب‌زبانان به سبب آنکه زبانی اشتقاقی دارند و واژگان در همان بافت زبانی برایشان موجودیت پیدا کرده است، با این نوع ساخت به دشواری ارتباط برقرار می‌نمایند. علاوه بر این، دوگانگی‌های معنایی و عدم پیروی از چارچوبی خاص در بخش معنایی، زبان‌آموز را دچار کندی در یادگیری می‌کند.

٨ - ٢ صرف ویژه (اسم + ی)

برخی از میزان‌های صرفی وجود دارند که پذیرش و رعایت آنها در بخش نحوی لازم نیست. از این میان می‌توان به برخی از صفت‌ها و اسم‌های فارسی اشاره کرد.

به عنوان نمونه به اسم + ی می‌پردازیم. این ساختار صفت‌ساز است. مانند: برفی، چوبی، صورتی، نیلی و بهاری و ... نمونه‌های این نوع ساختار بی‌شمار است.

در مقابل اسامی داریم که آنها نیز با همان ساختار «اسم + ی» ساخته شده‌اند اما صفت نیستند بلکه تبدیل به اسم حالت یا اسم عمل گردیده‌اند. مانند: شاگردی، خطاطی، معلمی، استادی، خیاطی، عکاسی، دوستی، دشمنی،

پزشکی، فرزندی، پدری و ... (ر.ک طباطبایی، ۱۳۸۹ ه.ش: ۹۵ - ۹۷) (Ref: Tabatabai,1389) (A.H.S,p95-97).

اسامی بالا در صورتی تبدیل به صفت می‌گردند که پسوند «انه» را به آنها اضافه کنیم. دو گروه واژگان بالا نشان می‌دهد که پسوند «ی» در پاره‌ای از موارد صفت می‌سازد و در پاره‌ای از موارد صفت‌ساز نیستند و برای ساختن صفت از آنها می‌بایست شیوه دیگری (به عنوان مثال استفاده از پسوند «انه») اتخاذ نمود.

بی‌گمان کاربردهای گوناگون «ی» (در اینجا به دو نمونه از کاربرد «ی» اشاره کردیم و برخی از نمونه‌ها مانند «ی نکره» و ... اشاره نکردیم) برای فارسی‌آموزان به طور عام و عرب‌زبانان به طور خاص دشواری‌هایی را ایجاد کرده است. و به این موارد لحن بیانی این نوع صفات را نیز می‌بایست اضافه کنیم که نوع لحن و طرز بیان در انتقال معنا بسیار تأثیرگذار است.

۸ - ۳ ترتیب اجزای کلام

در زبان عربی جمله فعلیه با فعل و جمله اسمیه با اسم شروع می‌شود. اما در زبان فارسی، جملاتی که فاقد نشانه هستند با اسم شروع می‌شوند. این‌ها شامل فعل، فاعل و مفعول هستند. در زبان عربی در جملات بی‌نشانه، فعل مقدم می‌گردد. این مسئله سبب شده تا عرب‌زبانان با توجه به بستری زبانی خویش اجزای کلام را مطابق با زبان خویش رعایت کنند که با زبان فارسی مغایرت دارد.

۸ - ۴ تطابق مسند و مسندالیه

مسند ویژگی یا حالتی است که آن را به کسی یا چیزی نسبت می‌دهیم و مسندالیه آن است که مسند را به آن نسبت می‌دهیم. معمولاً واژگانی که نقش مسند می‌گیرند، صفت محسوب می‌شوند. در زبان فارسی اسم و صفت با یکدیگر مطابقت ندارند و در نتیجه مسند و مسندالیه نیز تطابقی ندارند (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰ ه.ش: ۱۱۸) (Anwari and Ahmadi Givi, 1370 A.H.S, p118).

در نحو عربی، جملات اسمیه در جایگاه مسند و مسندالیه به شکل مبتدا و خبر می‌آیند. و خبر اگر اسم مشتق باشد با مبتدا منطبق است (ر.ک: حسینی، ۱۳۷۱ ه.ش: ۶۱ - ۷۳) (Ref: Hosseini, 1371 A.H.S, p61-73).

عرب‌زبان به سبب وجود این قاعده در زبان خویش گاه مسند و مسندالیه را مطابق با هم به کار می‌برد و دچار اشتباه می‌گردد.

۸ - ۵ حذف نشانه «را»

در زبان فارسی، مفعول به اندازه زبان عربی گسترده نیست. در زبان فارسی گاه به مقتضای کلام می‌توان نشانه مفعول را حذف کرد. در زبان عربی با انواع گوناگون مفعول روبرویم که این مفعول‌ها در مقابل و برابر مفعول

دستگاه صرفی و نحوی در زبان فارسی متمایز از یکدیگر عمل می‌کنند. و این نظر در پرداخت‌هایی که در بخش تکیه و ساختار واژگانی داشتیم اثبات شد.

با مطالعه و بررسی زبان می‌توان بیش از پیش به امکانات یک زبان و در کنار آن به کم و کاستی‌های آن پی برد. این امر سبب می‌شود که زبان را به خوبی شناخت در امر آموزش بر روی مواردی که اهمیت بیشتری دارند تمرکز کرد. علاوه بر این شناخت ماهیت زبان مقصد (که در این پژوهش زبان عربی بود) می‌توان در انتقال درست مفاهیم و قواعد زبان مبدأ (در این پژوهش فارسی) راهگشا باشد.

اصلی‌ترین ویژگی نحو، شکل جمله‌بندی کلام است. این ویژگی در زبان فارسی وجود دارد اما هنوز به شکل مستدل و مستندی تدوین نشده است. علاوه بر این اگر در مقام مقایسه برآییم، عمده مطالبی که در نحو عربی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ فعل، فاعل، مبتدا، خیر، حال، تمیز و ... است. این موارد در زبان فارسی نیز وجود دارد.

از آنجه که قواعد هر زبان در بافت آن زبان و در مجموعه ویژگی‌های آن قیال بررسی است، توجه به ویژگی‌های هر زبان و یافتن تفاوت‌های آن در مقام قیاس، گاه کژتابی‌ها و کژفهمی‌هایی را به دنبال دارد.

یکی از دلایلی که آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان را دشوار می‌کند، تطبیق مو به موی دستور و قاعده زبان‌های مبدأ و مقصد است.

در حوزه ایرادات نحوی با قواعدی روبرو هستیم که ممکن است در زبان فارسی وجود داشته باشند و در زبان عربی وجود نداشته باشند و بالعکس. این تفاوت‌ها، زمینه‌ساز دشواری‌هایی در یادگیری و به کارگیری نحو زبان فارسی برای عرب‌زبانان است. به عنوان مثال تقدم فعل، فاعل، صفت، ضمیر و اسامی از حیث حالت و جنس و شمار و ... از مهم‌ترین دشواری‌های حوزه نحوی است.

در این پژوهش مهم‌ترین مواردی که در حوزه اشتباهات صرفی و نحوی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از: واژگان مرکب، صرف ویژه (اسم + ی)، ترتیب اجزای کلام، تطابق مسند و مسندالیه، حذف نشانه «را»، حذف فعل ربط، کاربرد فعل مرکب و کاربرد ضمائر متصل و منفصل.

همچنین به مقولات دیگری که با صرف و نحو زبانی در ارتباط غیرمستقیم بوده و سبب اشتباهات زبانی عرب‌زبان در یادگیری زبان فارسی می‌شده، پرداخته شده است. این موارد عبارتند از: تکیه، املای فارسی، اختلاف کلمات زبان مقصد و مبدأ و اختلاف گونه گفتاری و نوشتاری فارسی.

منابع و مأخذ

۱. اسلامی، مریم و استاجی، اعظم (۱۳۹۵ ه.ش). فسیل‌شدگی در یادگیری زبان دوم: راهبردهای اجتناب برای فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان. فصل‌نامه زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء. سال هشتم. شماره ۲۰.

١٦. وکیلی فرد، امیررضا (١٣٩٤ هـ.ش). سبک‌های غالب یادگیری ادراکی زبان‌آموزان فارسی در کشورهای غیرفارسی‌زبان. نشریه زبان شناخت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ششم. شماره ٢.

Sources and references

1. Akbari, Manouchehr (1381 A.H.S). Problems of Student Groups of Tehran University. The third one. Report of the Third International Forum of Farsi and Persian Professors. Tehran: Persian Language and Literature Council.
2. Anwari, Hasan and Ahmadi Givi, Hassan (1370 A.H.S). Persian Grammar 2. Tehran: Fatemi Publication.
3. Girard, Danny (1365 A.H.S). Applied Linguistics and Language Science. Translated by Dieth Gut. Tehran: Academic Publishing Center.
4. Haji Seyed Razaei, Akram Beygum and Morad Shahraei, Reza (1394 A.H.S). Persian grammar instruction to foreigners in the context of the relationship between linguistic and grammatical functions. Journal of Linguistics Research. Seventh year Second Number 13
5. Hosseini, Ali (1371 A.H.S). Translation and Alphabet. Volume 4. Qom: Dar Al-Alam Publications.
6. Islami, Maryam Vastagi, Azam (1395 A.H.S). English Language Fascination: Avoidance Strategies for Non-Persian Learners. Al-Zahra University Language Study Quarterly. Eighth year, Number 20.
7. Jafari, Fatemeh (1390 A.H.S). Teaching Persian language to non-Persian speakers and the importance of paying attention to the difference in language and writing. First International Conference on the Development of Persian Language and Literature. Tehran: Persian Language and Literature Council.
8. Milaniyan, Hormoz (1350 A.H.S). The word and its borders in Persian language. Journal of the Faculty of Literature and Humanities. Eighteenth century, Number 3.

9. Mohammadi, Mohammad (1353 A.H.S). Notes on the Persian language in terms of its relation with Arabic. Journal of Papers and Reviews. Number 19 and 20.
10. Motavalian Naini, Rezvan and Estovar Abraqavi, Abbas (1392 A.H.S). Arabic syntactic errors in learning Persian as a second language. Non-Persian Learning Persian. Second year. Number 2.
11. Musavi, Sakineh (1386 A.H.S). Persecution of Persians in Persian Culture and Language; A Note on the book "The Challenge between Persian and Arabic" by Azartash Azarnoosh. Rudaki Journal.
12. Safar Moghdam, Ahmad (1392 A.H.S). Speech and Writing Differences in Speech Skills Training of Farsi to Non-Farsi. Journal of Linguistics. Institute of Humanities and Cultural Studies. Forth year. Number 2.
13. Shaghghi, Vida (1378 A.H.S). Farsi Language Learning Objectives. Letter of Culture No. 34.
14. Tabatabai, Aladdin (1389 A.H.S). Persian language glossary processes and spatial independence. Journal of Linguistics Research. Second year. Number 2.
15. Vakili Fard, Amir Reza (1394 A.H.S). The prevailing perceptual styles of Persian language learners in non-Persian speaking countries. Journal of Cognitive Languages. Institute of Humanities and Cultural Studies. Sixth year Number 2.
16. Van Waals, Theo (1372 A.H.S). Applied Linguistics, Foreign Language Learning and Education. Translation by Mahmoud Elyasi. Mashhad: Astan Quds Razavi.